

اشاره: در بخشهای قبلی، حوادثی را که از ماه جمادی الثانی سال پیش از ظهور تا ماه رمضان همان سال پیش می آید بررسی کردیم. در این قسمت به بررسی رویدادهایی می پردازیم که در ماههای شوال و ذیقعدہ رخ می دهند.

رویدادهای ماه شوال

اتفاقاتی که پیش از این در جهان رخ داده بود، در این ماه هم ادامه می یابد و به همراه حادثه های دیگری که از این پس خواهند آمد، همه ساکنان زمین را متوجه پیروزیهای مکرر و سریع سفیانی می کند. آن طور که از روایات برمی آید برخی از حوادثی که در این ماه اتفاق می افتد از این قرار است:

۱. جمعیتی در ماه شوال ظاهر می شوند: سفیانی و پیروانش ۱۰.

۲. در این ماه خیزشها آغاز می شود (مردم از گرد یکدیگر متفرق می شوند): انقلابیها، انقلاب می کنند و شورشیان سر به شورش

برمی دارند؛ بدبختیهای مردم زیادتر شده و از شرایط به وجود آمده خشمگین تر می شوند؛ در اجتماع اتحاد میان مردم از بین می رود. ۲.

۳. در ماه شوال بلا می آید: بلایی که مردم به جهت جنگها و فتنه ها بدانها مبتلا می شوند. ۳ و ۴.

۴. در این ماه ویرانی و خالی شدن شهرها از سکنه شان دیده می شود: به خاطر جنگها و فتنه در شهرها از مردها و جوانان خبری

نیست. ۵.

۵. آتش جنگ برافروخته می گردد.

«سهل بن حوشب» از رسول اکرم (ص) نقل کرد که فرمودند:

در ماه رمضان صدای (آسمانی) شنیده می شود و در ماه شوال جنگ به پا می گردد. ۶.

ابن مسعود هم از آن حضرت روایت کرد که فرمودند:

وقتی صیحه (آسمانی) در ماه رمضان واقع شد پس از آن در ماه شوال آتش جنگ برافروخته گشته و مردم برای تهیه غذا مهاجرت

کرده و در ماه ذیقعدہ با هم می جنگند. ۷.

بیشتر روایات شریف ما از پدید آمدن معمه ای در ماه شوال خبر می دهند که «معمه» در لغت به معنای نواخته شدن کوس

جنگ و صدای ابطال در جنگ و کنایه است از وقوع جنگی ناگوار و تلخ. تأکید بر این مطلب را در این عبارت از حدیث می توان

یافت که قبایل غذای مایحتاج خویش را از ترس مرگ و میر جنگها خریده و انبار می کنند. این معمه ماه شوال، علی القاعده باید به

معرکه «قرقیسیا» اشاره داشته باشد.

قرقیسیا شهری در منطقه شمالی سوریه است که در میان فرات و سرچشمه نه‌ری که ۸ خابور در آن است قرار دارد. این شهر حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرزهای عراق و ۲۰۰ کیلومتر با مرزهای ترکیه فاصله دارد و در نزدیکیهای شهر «دیرالزور» است. در آینده نزدیک در آن گنجی از طلا، نقره یا مانند آنها (مثلاً نفت) کشف می‌شود آن‌گونه که روایات بیان نموده‌اند: آب فرات کوهی از طلا و نقره را نمایان می‌کند که بر سر آن از هر نه نفر، هفت کشته می‌شوند. ۹. در این جنگ اقوام مختلفی شرکت دارند:

۱. ترکها: آنها که به جزیره ۱۰ نیرو پیاده کرده‌اند؛

۲. رومیان: یهودیان و دولتهای غربی که وارد فلسطین شده‌اند؛

۳. سفیانی: که در این هنگام بر دیار شام مسلط شده است؛

۴. عبدالله: روایات به مطلب خاصی درباره او اشاره نمی‌کنند ظاهراً هم پیمان مغرب زمین است؛

۵. قیس: مرکز فرماندهی اش مصر است؛

۶. فرزند و نواده عباس: که از عراق می‌آید.

به دنبال این جنگ، خونریزی و کشتار شدیدی پیش می‌آید که تا قبل از به پایان رسیدن آن در مدت کوتاهی ۱۰۰/۰۰۰ نفر (و بنا بر روایتی ۴۰۰/۰۰۰ نفر) ۱۱ کشته می‌شوند. این مطلب می‌تواند اشاره‌ای به استفاده از سلاحهای کشتار جمعی (اتمی، هسته‌ای، بمبهای شیمیایی و میکروبی و الکترونی کشنده) در این جنگ باشد که بر حیوانات و گیاهان خوراکی هم اثر می‌گذارند. این جریان یکی از میدانهای جنگ جهانی بی‌مانند آخرالزمان است که قبل و بعد از آن مانند نداشته و نخواهد داشت که در انتهای آن هم پیمانان سفیانی پیروز می‌گردند.

روایات شریف ما صراحتاً به این واقعه اشاره کرده‌اند:

در روایتی، عمار یاسر این‌گونه نقل می‌کند:

غربیان به سوی مصر حرکت می‌کنند و ورود ایشان بدانجا نشانه (آمدن) سفیانی است. پیش از آن شخصی که دعوت می‌کند، قیام کرده و ترکها وارد حیره و رومیان وارد فلسطین می‌شوند. عبدالله هم بر آنها سبقت می‌گیرد تا این که دو لشکر در سر نهر در مقابل هم می‌ایستند جنگ بزرگی درمی‌گیرد و صاحب‌المغرب (هم پیمان غربیان) هم حرکت می‌کند. مردان را کشته و زنان را اسیر می‌کند، سپس به سوی قیس برمی‌گردد تا اینکه سفیانی وارد حیره می‌شود. یمانی هم شتافته و سفیانی هر چه را جمع کرده بودند درهم می‌شکند و به سوی کوفه حرکت می‌کند. ۱۲.

جابر جعفی هم طی حدیثی طولانی از امام باقر(ع) چنین روایت کرده است:

از دین برگشتگانی از جانب ترکها حمله کرده و سپاهی از روم آنها را دنبال می کند. برادران ترکها، پیاده کردن نیروهایشان را در جزیره ادامه می دهند. رومیان از دین برگشته هم در رمله نیرو پیاده می کنند. جابر! در آن سال در تمام زمین به واسطه غربیان اختلاف زیادی وجود دارد که اول مغرب زمین شام است. در این زمان سه پرچم (سپاه) در مقابل هم می ایستند: سپاه اصبه، ابعق، سفیانی. در ابتدا سفیانی با ابعق می جنگد و او و همراهانش را کشته و به دنبال آن اصبه را هلاک می کند. پس از آن تا عراق جنگ و کشتار به پا می کند و سپاهیان را به قرقیسیا می رساند و در آنجا هم به جنگیدن می پردازد. در این جنگ ۱۰۰/۰۰۰ نفر از جباران و ستمگران کشته می شوند. پس از آن سفیانی سپاهی را به سوی کوفه گسیل می دارد. ۱۳.

عبدالله بن ابی یعفر می گوید که امام باقر(ع) به ما فرمودند:

برای بنی عباس و بنی مروان حتماً اتفاقی در قرقیسیا می افتد که در آن جوان قوی و تنومند، پیر می شود و خداوند از آنها پیروزی را برمی دارد و شکست می خورند (پس از این جنگ) به پرندگان آسمان و درندگان زمین وحی می کند که شکم خود را از گوشت تن جباران سیر کنید و پس از آن است که سفیانی شورش می کند. ۱۴.

حذیفه بن منصور هم از امام صادق(ع) روایت کرده که فرمودند:

خداوند سفره ای در قرقیسیا دارد که گاهی از آسمان ندا می دهد و دیگران را آگاه می کند که ای پرندگان آسمان و درندگان زمین برای سیر کردن خود از گوشت بدن جباران بشتابید. ۱۵.

محمد بن مسلم از امام باقر(ع) ضمن حدیثی بلند چنین نقل کرده است:

آیا نمی بینید که دشمنان شما در معاصی خداوند کشته می شوند، بدون آن که شما حضور داشته باشید در حالی که شما با آرامش و امنیت در گوشه خانه هایتان نشسته اید، برخی از آنها برخی را بر روی زمین می کشند؟ سفیانی عذاب مناسبی برای دشمنان شما و نشانه ای برای خودتان است. آن فاسق وقتی (در ماه رجب) سر به شورش برداشت شما اگر یک یا دو ماه (ماه رمضان) پس از شورش او از خود حرکتی نشان ندهید به مشکلی بر نخواهید خورد تا این که بسیاری از خلق منهای شما (شیعیان) کشته شوند. ۱۶.

به هر حال پس از معرکه قرقیسیا و کشتار و تضعیف و شکست بسیاری از آن قوای سیاسی و نظامی که ممکن بود پس از ظهور حضرت مهدی(ع) در مقابل ایشان جبهه گیری کنند، تنها سفیانی است که پیروزمندانه باقی مانده و فخر فروشی می کند.

حوادث ماه ذی القعدة

از جمله آثار و تبعات معرکه قرقیسیا کشتار تعداد زیادی است که حرث و نسل (کنایه از کار و زندگی) را بر باد می دهد؛ چرا که از سویی حداقل ۱۰۰/۰۰۰ مرد کشته می شوند و از سوی دیگر خوراک مردم اعم از گیاهی و حیوانی آلوده می گردند که این امر به جهت استفاده از اسلحه های کشنده ای است که در این معرکه و جنگ به کار گرفته شده است. ۱۷. به دنبال آن خشکسالی و حرص

ولع ناشی از آن برای یافتن خوراک رخ می‌دهد. از این روست که مردم در این ایام و برای انبار کردن غذا جهت اطرافیان خویش به این سو و آن سو می‌روند و این حرص و ولع مردم باعث می‌شود که با هم بجنگند.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

وقتی صیحه در ماه رمضان شنیده شد، در ماه شوال جنگی برپا می‌شود (معرکه قرقیسیا) قبایل به مسافرت کردن برای تهیه خوراکیها و جنگیدن (با همدیگر برای آن) در ماه ذیقعد می‌پردازند. در ماه ذیحجه هم حجاج غارت می‌شوند و خون به پا می‌شود. ۱۸.

عبارت تمیرالقبائل که در حدیث آمده است بدین معنی است که غذا را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند و به آن غذایی که منتقل می‌شود «میره» می‌گویند. پس معنی این بخش از حدیث این می‌شود که قبایل از شهری به شهر دیگر می‌روند تا از آن برای خود غذا خریده و آن را برای مدت یک سال مصرف خود انبار کنند و از ترس بخل و قحطی و گرانی و آلودگی غذاها به جهت جنگها و کشتارها و اسلحه‌های کشتار جمعی، از آن محافظت می‌کنند.

محمد بن مسلم نقل کرد که از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمودند:

پیش از (آمدن) قائم(ع) نشانه‌هایی از ناحیه خداوند متعال برای (امتحان کردن) آنها خواهد بود.

پرسیدم: جانم به فدایتان آنها کدام نشانه‌ها هستند؟ فرمودند: این آیه شریفه:

وَلَبَلَفُوْنَكُمْ بَفْشَىءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجَفْوَعِ وَ نَقْصِ مَفْنِ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالْثَمَرَاتِ وَ بَشْفَرِ الصَّابِرِينَ ۱۹.

(حتماً شما را (یعنی مؤمنان قبل از قیام حضرت مهدی(ع)) با چیزهایی از ترس و گرسنگی و کمبود و کاستی در اموال و بدنها و

محصولات امتحان می‌کنیم و (در این راستا) به صبرپیشگان بشارت بده (که سربلند خواهد بود). ۲۰.

قبایل در ماه ذیقعد به انبار کردن و در نتیجه نزاع و جنگ بر سر غذا می‌پردازند و این جریان حتی تا ماههای بعد ادامه می‌یابد.

چنان که در حدیث تأکید می‌شود در ماه ذیحجه حجاج غارت می‌شوند و به عبارت دیگر وسایل و اموال آنها را می‌دزدند و به غنیمت می‌گیرند.

«فیروز دیلمی» از رسول‌الله(ص) نقل می‌کند که طی حدیثی طولانی فرمودند:

صدای (آسمانی) در ماه رمضان و جنگ در شوال واقع می‌شود و قبایل در ماه ذیقعد به انبار کردن (غذاها) می‌پردازند و به حجاج

در ماه ذیحجه یورش می‌برند و محرم، چه محرمی خواهد بود؟ ابتدایش بلا بر سر امتم می‌آید و پایانش فرج و گشایش برای امتم

حاصل می‌شود. نجات یافتن مؤمن در آن بهتر از خزینهای است که ۱۰۰ هزار ظرفیت داشته باشد. ۲۱.

معنای آن چنین می‌شود: رفتن و جهاد کردن به همراه حضرت مهدی(ع) بهتر است از جمع کردن غذایی که ۱۰۰ هزار نفر را کفاف دهد؛ چرا که این ذخیره‌سازی نفع و خیری برای کسی ندارد و توفیق جهاد کردن به همراه امام معصوم(ع) و آن هم حضرت حجت(ع) در حقیقت تمام خیر دنیا و آخرت است.

پیش از این دیدیم که ائمه معصومین(ع) به شیعیان و محبان و پیروان خویش می‌آموختند که پس از شنیدن صیحه آسمانی در ماه رمضان تا آنجا که برایشان ممکن است غذا ذخیره کنند؛ یعنی در واقع پیش از آن که معرکه قرقیسیا و جنگها و فتنه‌های پس از آن پدید بیایند؛ شیعیان باید احتیاطاً طی این دو ماهی که وقت باقی است غذا ذخیره کنند که ممکن است پس از این جریان خوراکیها به واسطه جنگها و اسلحه‌ها و بمبهایی که به کار برده می‌شود علاوه بر کمیاب و گران شدنشان، آلوده هم بشوند. در آن زمان آن دسته از شیعیان و پیروان معصومین(ع) که به تعالیم این بزرگواران عمل کنند؛ از این مصایب، خطرات و مشکلات در امان مانده، و شکرگزار درگاه الهی خواهند بود.

کشتارگاه اول عراق: بغداد

پس از معرکه قرقیسیا، عدم ثبات سیاسی حکومت عراق، خودکامگی سفیانی را تشدید می‌کند و او هم نیروها و تسلیحات نظامی خویش را وارد عراق کرده و از روز ۲۱ یا ۲۲ ذی‌القعدة، دست به کشتارهای وحشیانه در بغداد و سپس در کوفه (که روز عید قربان به آنجا می‌رسد) و دیگر شهرهای عراق می‌زند و این رفتار غیر انسانی او تا وقتی که نیروهای سید خراسانی و ایرانیان در مقابلش قد علم کنند و طعم شکست را به او بچشانند؛ ادامه خواهد داشت.

امام صادق(ع) ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

تمام عراق را هراس جدی دربر می‌گیرد و قرار از این دیار رخت برمی‌بندد. پس از آن که سپاه سفیانی وارد بغداد می‌شود سه روز همه چیز و همه کس را مباح اعلام می‌کند و به سرعت بسیاری می‌میرند. ۶۰ هزار نفر (و بنا بر نقلی ۷۰ هزار نفر) از اهالی آن شهر را می‌کشند و اطراف آن (شهر) را خراب می‌کند. ۱۸ شب پس از این فعالیتها در آنجا می‌ماند و اموال (مردم) را (در میان خویش) تقسیم می‌کند در آن روز سالم‌ترین نقطه بغداد، کرخ است. ۲۲

ابن وهب می‌گوید حضرت ابن ابی عقیب را نقل کردند که:

وینحر بالزوراء منهم لدی

ثما نون ألفاً مثل ما تنحر البدن

۸۰ هزار نفر از آنها همانند حیوان در بغداد سر بریده می‌شوند.

تا آنجا که فرمودند:

در بغداد ۸۰/۰۰۰ نفر را می‌کشد که ۸۰ نفر از آنها از مردانی از تیره فلانی هستند که همگی برای فرمانروایی و خلافت شایسته‌اند. ۲۳

امیرالمؤمنین علی(ع) هم طی حدیثی طولانی فرمودند:

والی شهر زوراء (بغداد) و فرمانروا به همراه ۵ هزار جلاذ خارج می‌شود و ۷۰ هزار نفر را بر روی پل بغداد می‌کشند طوری که مردم تا سه روز از خون و بوی تعفن این همه لاشه و جنازه نمی‌توانند به دجله نزدیک شوند. ۲۴
امام ششم(ع) فرمودند:

مردم بزرگواری از پیروان بنی‌العباس را بر روی پلی که از کرخ به بغداد می‌آید می‌سوزانند. ۲۵

سیدالشهداء امام حسین(ع) هم طی حدیثی طولانی فرمودند:

... (سفیانی) سپاهیان ۱۳۰ هزار نفری خود را به بغداد گسیل می‌دارد و در مدت سه روز روی پل بغداد ۷۰ هزار نفر را کشته و به ۱۲ هزار دختر جوان تجاوز می‌کنند، طوری که از خون و لاشه متعفن اجساد آب دجله قرمز رنگ دیده می‌شود. ۲۶

زوراء که همان بغداد است و توسط منصور دوانیقی بنای آن نهاده شد و پلی که در روایات ما زیاد از آن یاد شده است همان پلی است که از جانب کرخ در محله جعيفر به بغداد متصل می‌شود در مقابل «مدینه الطب» که در آن سوی دجله واقع شده است و همان طور که در احادیث پیشین دیدیم سپاهیان سفیانی اعمال شنیع و وحشیانه خویش را بر روی آن انجام می‌دهند و ۷۰ هزار سرباز و غیر آنها را می‌کشند و خون کشتگان به رود دجله جاری می‌شود و از شدت تعفن مردم تا سه روز نمی‌توانند به آن نزدیک شوند و رنگ این رود هم به سرخی می‌نماید.

امام صادق(ع) فرمودند:

بیچاره بغداد از دست پرچمهای زرد و مغرب و پرچم سفیانی. ۲۷

مفضل بن عمر می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: بغداد در آن زمان چه وضعیتی خواهد داشت؟ حضرت پاسخ فرمودند:

محل (نزول) عذاب و غضب الهی خواهد بود. (وای بر آنها) بیچاره آنها از دست پرچمهای زرد و دیگر پرچمهایی که از دور و نزدیک به سوی آن می‌آیند. واللّه! انواع عذابهایی که بر اقوام سرکش از اول روزگار تا انتهایش نازل شده و عذابهایی که (تا آن زمان) هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده بر آنها فرود می‌آید. توفانهایی ناشی از سیل‌های مختلفی آن را درمی‌نوردد و بیچاره است کسی که آنجا را منزل خود انتخاب کند. واللّه گاهی بغداد چنان آباد می‌شود که بیننده آن می‌گوید دنیا فقط اینجاست و نه جای دیگری و دخترانش را حورالعین و فرزندانش را اولاد بهشتی تصور می‌کند. گمان می‌کند که خداوند تنها در آنجا رزق را تقسیم می‌کند. دروغ بستن به خدا و صدور حکم ناحق و شهادت دروغ و نوشیدن شراب و زنا و حرام‌خواری و خون‌ریزی در آن پدیدار

می‌شود. پس از آن خداوند متعال با فتنه‌ها و به دست این لشکریان آنها را خارج می‌کند (آنجا را خالی از سکنه می‌کند). به گونه‌ای که وقتی کسی از آنجا عبور می‌کند جز دیوار (ویرانه) چیزی نمی‌بیند حتی می‌گوید: این زمین، بغداد است. سپس جوانمردی خوش‌رو و از نسل امام حسن مجتبی‌(ع) از ناحیه دیلم (گیلان) و قزوین قیام می‌کند. فریاد می‌زند: ای خاندان پیامبر(ص) این مظلوم غمگین را اجابت کنید! ۲۸ گنجهای طالقان به او پاسخ می‌دهند. گنجهایی که از جنس طلا و نقره نیستند بلکه مردانی هستند به سختی آهن! گویا به آنها می‌نگرم که بر یابوهای ابلق ۲۹ سوارند و سلاحهای کوتاهی در دست دارند. همانند گرگ (که بخواهد به گوسفندی حمله کند) مشتاق و تشنه جنگیدن هستند. فرمانده‌شان مردی از بنی تمیم است که به او شعیب بن صالح می‌گویند. رو به سیدحسنی که الان با چهره درخشان چون ماهش در میان آنهاست کرده و پس از آن به ستمگران یورش می‌برند تا این که به کوفه می‌رسند. ۳۰

سپاه سفیانی پس از آن که این اعمال وحشیانه را انجام می‌دهد؛ به سوی کوفه (نجف) حرکت می‌کند و در آنجا هم‌چنان حادثه‌ای رخ می‌دهد که عقلها را حیران می‌کند و این کشتارها تا وقتی که ایرانیان به فرماندهی سید خراسانی وارد عراق شوند همواره ادامه خواهد داشت. به خدا پناه می‌بریم از شر چنین فتنه‌هایی.